



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر افت تحصیلی در بین دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهرستان چرداول

طالب حاجی^۱، علی حاجی^۲

^۱. کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی (پیام نور خمین)

کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی (دانشگاه علوم تحقیقات تهران)^۱

چکیده

موضوع تحقیق حاضر بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر افت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهرستان چرداول می باشد، ابتدا براساس تحقیق کتابخانه ای چارچوب نظری تحقیق تدوین شد. روش تحقیق مورد استفاده پیمایش (Surver) از نوع توصیفی می باشد. جامعه آماری ۱۰۰ نفر از دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهرستان چرداول می باشد و برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد و چون متغیرهای ما در سطح فاصله ای است از آزمون همبستگی پیرسون (r) استفاده شد و برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری Spss ۱۶ کمک گرفته شد و مشخص شد که بین نگرش فرد نسبت به آینده شغلی خود و افت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود ندارد اما بین سطح تحصیلات خانواده و افت تحصیلی فرزندان، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و افت تحصیلی فرزندان، بین نابسامانی و مشکلات خانواده با افت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد.

واژه های کلیدی: افت تحصیلی - علل اجتماعی - دانش آموزان - شهرستان چرداول



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

آموزش و پرورش یکی از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی است که از بدو تشکیل زندگی گروهی انسان و در پاسخ به نیاز انسانها در روابط متقابل به شکل ابتدایی خود وجود داشته‌است. آموزش و پرورش رسمی از اوایل قرن حاضر به صورت یک نظام فراگیر، ابتدا جوامع پیشرفته و متعاقب آن سراسر جوامع در حال پیشرفت را فرا گرفته است و امروز جامعه‌ای نیست که این نظام نقشی در تحول و پیشرفت آن نداشته باشد. (فومنی، ۱۳۸۲، ۱۳)

قلمرو رشد و فعال شدن استعدادها و تواناییهای آدمی را زمان- مکان (جایگاه) یا شرایط زمانی- مکانی (موقعیت) تعیین می‌کند و جهت می‌دهد. بنابراین تربیتی سودمند و اثربخش خواهد شد که آن شرایط را در نظر بگیرد و با آنها هماهنگ باشد و یا بتواند شرایط نامطلوب را به شرایط مطلوب تغییر دهد. به عبارت دیگر رشد و تکامل و فعال شدن استعدادها و تواناییهای هر شخص، مستلزم وجود سالم: خانواده سالم، جامعه سالم و موقعیت (مجموع شرایط زمانی- مکانی موثر) سالم است و توأم بودن آنها از ضرورت‌های آموزش و پرورش موثر و موفق است. (شعاری نژاد، ۱۳۸۱، ۲۱).

از بین بردن بی‌سوادی، بی‌کاری، محرومیت و بسیاری از مشکلات و نارسائی‌های دیگر اجتماعی را باید در کارکرد مدرسه جستجو کرد. مدرسه مکانی است که در آن بهتر از هر جای دیگر میراث فرهنگی هر قوم می‌تواند منتقل شود و استعدادهای بالقوه دانش‌آموزان پرورش یابد و آنان را برای شرکت فعال در جامعه آماده سازد. همچنین مدرسه با پرورش رفتارها و تواناییهایی که مردم برای شرکت در تغییرات و رویارویی با آنها بدان نیاز دارند، راه را برای تجدید حیات اجتماعی هموارتر می‌کند. عدم موفقیت نظام‌های آموزش در انجام این رسالت در بسیاری از مواقع به صورت افت یا شکست تحصیلی بروز می‌کند که شامل کیفیت ضعیف یادگیری دانش‌آموزان، تکرار پایه و ترک تحصیل است. افت تحصیلی در کشور ما از پدیده‌های مهم سازمان آموزش و پرورش است که به صورت یک مسأله‌ای مهم درآمده که نظر غالب جامعه‌شناسان و روانشناسان و مریبان تربیتی را به خود جلب کرده است. پدیده‌ای که هر ساله مقادیر قابل توجهی از منابع و سرمایه‌های انسانی و اقتصادی جامعه را تلف نموده و آثار مخرب و ناگواری را نیز در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد مردود به جای می‌گذارد. باید به مسأله افت تحصیلی اندیشید، زیرا خسارت ناشی از این پدیده که باعث پژمردگی حیات و سرخوردگی یک انسان و داغ شکستی که برای یک عمر بر روان فرد نقش بسته، با تکرار یک سال یا بیشتر، بهبود نمی‌یابد (اظهار ندامت دانش‌آموزان مدارس بزرگسال یا شبانه اعم از دختر و پسر گویای این امر است). ارائه آموزش و پرورش یکسان هم برای همه دانش‌آموزان به رغم تفاوت‌های فردی، مسائل و مشکلات عاطفی در خانواده و تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی و به خصوص فرهنگی خانواده‌ها می‌تواند از عوامل ایجادکننده افت تحصیلی محسوب شود. از آنجا که تفاوت فرهنگی خانواده‌ها به ویژه مناطق مختلف کشورهای در حال توسعه، غالباً بارز و آشکار است، نظام آموزش و پرورش نمی‌تواند برای همه طبقات اجتماعی کارایی لازم را داشته باشد. از این رو بسیاری از کودکان و نوجوانان، بخصوص در مناطق محروم به رغم هوش و استعداد از ادامه تحصیل باز می‌مانند. در این تحقیق سعی شده است تا ریشه‌های جامعه‌شناختی «افت تحصیلی» در مقاطع متوسطه را در شهر سرابله تا حد امکان شناخته شود.

بیان مسأله

تعاریف گوناگونی از مسأله اجتماعی توسط جامعه‌شناسان ارائه شده است و مسأله مورد نظر ما در اینجا «افت تحصیلی» است.

دکتر سیفاللهی درباره مسائل اجتماعی می‌گوید:

«در رابطه با مسائل اجتماعی^۱ می‌توان گفت امور و پدیده‌هایی که موجب تنش‌ها و ناسازگاریهای اجتماعی گردیده و به نحوی جامعه یا

^۱ - Social Problems



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زندگی افراد را مورد تهدید و تضعیف قرار دهد» (سیفاللهی، ۱۳۸۱، ۴۰)

هر سازمانی استراتژی و راهکارهایی را براساس اهداف سازمانی خود پیش می‌گیرد که خواهان وضعیتی است که بتواند به آن سو هدایت شود و اگر شرایط حاضر سازمانی به بن بستهای شدیدی دچار شود، به فکر راه‌حلهای اساسی برآمده، چرا که مشکل بزرگی برای رسیدن به هدف بر سر راهش نمایان می‌شود که برای رفع آن باید هزینه‌های زیادی را بپردازد. اما اگر بخواهیم مسأله اجتماعی را اینگونه تعریف کنیم: «هر وضعیتی که به عنوان فاصله بین واقعیت و وضعیت مطلوب پدیدار شود» (خاکی، ۱۳۸۲، ۱۴) و غالب افراد جامعه باور داشته باشند که می‌توان آن فاصله را رفع کرد. سازمان بزرگ آموزش و پرورش در ایران به یک مشکل آموزشی به نام «افت تحصیلی» دانش‌آموزان در مقاطع مختلف روبرست. این پدیده نامطلوب برای کل جامعه مسأله جدی ایجاد کرده که در مواردی ریشه در کیفیت نظام آموزشی ما داشته و اذهان متفکران اجتماعی، برنامه‌ریزان کتابهای دولتی، مربیان آموزشی، جامعه‌شناسان، روانشناسان، خانواده‌ها، سیاستمداران و ... را به خود مشغول داشته است.

مجدداً اگر در مورد «مسائل اجتماعی» بگوییم که «مسائل اجتماعی جامعه پدیده‌هایی اجتماعی اعم از شرایط ساختاری و الگوهای کنشی است که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه یعنی بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب قرار می‌گیرند و مانع تحقق اهداف و تهدید کننده ارزشها و کمال مطلوبها می‌شوند. این مسائل اجتماعی به عنوان پدیده‌هایی نامطلوب اذهان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می‌دارند، به طوریکه نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آنها پدید می‌آید.» (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۲)

این پدیده که به یک مسأله فراگیر و گسترده در جامعه تبدیل شده است، مانعی جدی برای رسیدن به اهداف عالی آموزش و پرورش می‌باشد که مقامات رسمی کشور را به چاره‌جویی و اقدام عملی در جهت اصلاح و رفع و یا پیشگیری آن وا می‌دارد «افت تحصیلی» مسأله‌ای نیست که بتوان آن را نادیده گرفت، چرا که از سالها قبل این پدیده در نظام آموزشی ما وجود داشته و تا الان ادامه دارد. این میزان ظاهراً در دوره متوسطه بیش از سایر مقاطع تحصیلی می‌باشد و عوامل بسیاری در آن دخالت دارد و همین امر باعث شده است تا عده زیادی از دانش‌آموزان، اصطلاح ریزشی و ریزشی مضاعف^۲ را به خود بگیرند و برخی هم به علت عدم کشش درسی دچار ترک تحصیل بشوند.

اهداف تحقیق

هدف کلی

هدف کلی این پژوهش بررسی رابطه بین عوامل جامعه‌شناختی با پدیده افت تحصیلی در بین دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر سرابله است.

اهداف جزئی

- ۱- شناخت میزان تاثیر عوامل جامعه‌شناختی در تاثیر گذاری بر افت تحصیلی
- ۲- شناخت عوامل موثر بر پدیده افت تحصیلی
- ۳- شناخت راهکارهای صحیح بر اساس ارزشها و هنجارهای ملی و دینی کشور ما برای بهبود وضعیت تحصیلی.
- ۴- آشنا ساختن دانش‌آموز دختر دوره متوسطه با عوامل اجتماعی افت تحصیلی برای بهبود وضعیت درسی آنها.

آموزانی که دو سال پی در پی در یک کلاس بمانند و سال سوم اگر بخواهند در همان کلاس درس بخوانند، اصطلاح ریزشی مضاعف را - نگارنده به دانش^۲ اطلاق کرده است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

سوالات تحقیق

- ۱- تاچه حدبین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده با افت تحصیلی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۲- تاچه حدبین نابسامانی و مشکلات خانواده با افت تحصیلی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۳- تاچه حدبین نگرش فرد نسبت به آینده شغلی و افت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۴- تاچه حدبین سطح تحصیلات در خانواده و افت تحصیلی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده با افت تحصیلی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین نابسامانی و مشکلات خانواده با افت تحصیلی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین نگرش فرد نسبت به آینده شغلی و افت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین سطح تحصیلات در خانواده و افت تحصیلی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.

مفهوم آموزش و پرورش

«مطالعه تحول معنای Education^۳ در زبانهای مغرب زمین نیز آموزنده است. ریشه این لغت که در زبان فارسی به «تربیت»، «تعلیم و تربیت»، «پرورش» و «آموزش و پرورش» ترجمه می‌شود، در زبان لاتین به معنی کشت نباتات، پرورش حیوانات، تغذیه و تعلیم اطفال به کار رفته است. باید اضافه شود که تا حدود نیمه قرن هفدهم آکادمی فرانسه، تربیت آدمی را فقط در معنای تعلیم او به کار می‌برده است. «مراقبت از تعلیم اطفال اعم از اینکه متوجه تمرین روح یا ورزش جسم باشد» اما لیتره بین عمل (پرورش کودک و نوجوان) و نتایج آن (عادت مکنسبه) فرق قائل می‌شود. در نظر او کسب عادت فکری چیزی و توسعه خصایل اخلاقی چیز دیگر است.» (شکوهی، ۱۳۷۵، ۲۱)

اما کلمه Education در حال حاضر در ادبیات مربوطه در سطح بین‌المللی به چهار معنا به کار می‌رود: به معنای موسسه یا نهاد (الف)، به معنای عمل یا تأثیر (ب)، به معنای محتوا (ج)، به معنای نتیجه یا محصول (د).

-تعلیم و تربیت به معنای موسسه یا نهاد، به مجموعه ساختهای اطلاق می‌شود که در زمان معینی در یک کشور یا در گروهی از کشورها، غایتشان تربیت افراد ملت است، طبق مقررات بیش و کم دقیقی کار می‌کنند در لحظه معینی از تاریخ خصوصیات نسبه ثابتی دارند.

-عنوان عمل یا نفوذ متأثر از تعریفی است که در آغاز قرن حاضر (۱۹۱۱) دورکیم از تعلیم و تربیت کرد و از این طریق طرز فکر تربیتی چندین نسل از مریبان را تحت تأثیر قرار داد.

-در معنای محتوا در اولین تقرب بر آنچه «برنامه» نامیده می‌شود منطبق است. برنامه غالباً و تقریباً منحصر به مجموعه‌ای از معارف کسب کردنی راجع است. اما تعلیم و تربیت به معنای علمی از مفهوم برنامه هم فراتر می‌رود.

-تعلیم و تربیت به عنوان «محصول» اثری است که در چهارچوب تعلیم و تربیت به معنای «نهاد» و از طریق توسل به تعلیم و تربیت در معنای «محتوا» بر تعلیم و تربیت به معنای «عمل و تأثیر» مترتب می‌شود و شایستگی و کارایی فارغ

آموزی فرق است. تربیت یا آموزش و پرورش به رشد تکامل توانهای اشخاص برای شرکت (یا کار Training) و آموزش Education^۳. بین تربیت (خلق در زندگی توجه دارد. آموزش یا کارورزی و کار آموزی به آماده ساختن شخصی برای نوع خاصی از استخدام توجه دارد. (شعاری نژاد، ۱۳۸۱، ۲۰۳)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

التحصیلان نظام آموزشی مبین آن است. (همان، ۲۶-۲۵)

پستالزی^۴ مربی و روانشناس تربیتی اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ و بانی آموزشگاههای نو می گوید: «تربیت عبارتست از رشد طبیعی، تدریجی و هماهنگ کلیه استعدادها و نیروهای موجود و مکتوم در انسان»

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

آموزش و پرورش نهادی است اجتماعی که در ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی عمل می‌کند. کار جامعه‌شناسی مطالعه نهادهای اجتماعی و چگونگی پیدایش و سیر تکوینی آنهاست و هم اینجاست که جامعه‌شناسی در مطالعه نهاد آموزش و پرورش، اهمیت پیدا می‌کند. در چکیده کارهای هانری ژان^۵ جامعه‌شناسی آموزش و پرورش چنین تعریف شده است:

«جامعه‌شناسی آموزش و پرورش عبارتست از مطالعه نهادها و روابط اجتماعی در ارتباط با آموزش و پرورش» از طرف دیگر اهمیت جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در آن است که مقتضیات اجتماعی در زندگی انسانی نقش عمده دارد. در نتیجه آموزش علمی که در حدود سالهای ۱۹۰۰ در اروپا به وجود آمده ابتدا از فیزیولوژی^۶ و روانشناسی^۷ و مخصوصاً از روانشناسی الهام گرفته و سپس در مسایل مربوط به بازده آموزش و پرورش وارد شده است. دیدگاه جامعه‌شناختی و مطالعه تجربی آموزش و پرورش قدری دیرتر در ایالات متحد آمریکا گسترش پیدا کرد. اسمیت اولین کسی بود که برای این کار عنوان خاصی انتخاب کرد: «جامعه‌شناسی آموزش و پرورش» سال ۱۹۱۷.

بعد از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) چهار واقعه عمده در جهت‌گیری آموزش به طرف علوم اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسی موثر بوده است:

۱- آموزش عمومی ۲- سازمانهای آموزشی ۳- دگرگونی نقش خانواده ۴- کوچ‌گیری انقلاب صنعتی

مطالعه سازمانهای آموزشی، نقش آموزش و پرورش در تحولات اجتماعی، فنون آموزش ناشی از این روند تحولی، تحول جمعیت و گسترش مدارس رسمی مورد نیاز جمعیت رو به افزایش جوامع، اعم از شهری و روستایی، از جمله موضوعاتی هستند که در چارچوب نهادهای اجتماعی و در حیطه مطالعات جامعه‌شناسی است. بر اساس چنین ملاحظاتی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به منزله یکی از رشته‌های مهم جامعه‌شناسی به وجود می‌آید و با کاربرد روشهای تحقیقی مشخص، مطالعه تحولات جامعه در زمینه‌های مختلف و رشد جمعیت و رابطه آنها با آموزش و پرورش می‌پردازد. (فومنی، ۱۳۸۲، ۲۴، الی ۱۹)

نظام جدید آموزش و پرورش در ایران

نظام جدید آموزش و پرورش در ایران با تاسیس مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۲۸ آغاز شد. این مدرسه که به سبک اروپایی اداره می‌شد، شامل دوره‌های متوسطه و عالی بود. به دنبال آن با تشکیل وزارت علوم در سال ۱۲۳۲ و سپس آغاز حکومت مشروطه، مدارس متعددی در سطح ابتدایی و متوسطه در تهران و شهرستانها توسعه یافت. (صافی، ۱۳۸۲، ۸)

اما با مطالعه اسناد و مدارک مربوط به تاریخ آموزش و پرورش در ایران نشان می‌دهد که نخستین بار در نهم آبان ماه

^۴. Pestalozzi

^۵. H. Janne

^۶. Physiologie

^۷. Psychologie



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۲۹۰ هجری شمسی، مجلس شورای ملی، قانون تعلیمات اجباری را تصویب کرد. در سال ۱۲۹۴ هجری شمسی، نظارت دولت در امر آموزش و پرورش به صورت یک اصل در متمم قانون اساسی مطرح شد و از این تاریخ، سازمانهای آموزشی در ایران شکل منظم و متمرکزی به خود گرفتند و نظارت دولت بر موسسات آموزشی جنبه قانونی پیدا کرد ولی می‌توان گفت، نظام آموزش و پرورش رسمی ایران در واقع از انقلاب مشروطیت و پس از وضع قانون اساسی و متمم آن به وجود آمده است.

تا قبل از انقلاب مشروطیت، آموزش و پرورش در مکتب خانه‌های سنتی ادامه داشت و معمولاً دولت و سازمانهای دولتی هیچ‌گونه نظارتی بر آنها نداشتند. اما در سال ۱۲۲۵ هجری شمسی اولین سنگ‌بنای مدرسه دارالفنون توسط میرزا تقی‌خان امیر کبیر بر زمین نهاده شد. در اولین دوره این موسسه عالی به سبک نوین، یکصد نفر جوان در رشته‌های نظامی (توپخانه، پیاده نظام، سواره نظام)، مهندسی، پزشکی (طب و جراحی)، داروسازی، فیزیک و معدن شناسی در آن به تحصیل پرداختند.

در سال ۱۲۳۷ هجری شمسی، وزارتخانه‌ای به نام وزارت علوم تأسیس شد که مسئولیت آموزش و پرورش فرزندان جامعه از ابتدایی تا عالی را بر عهده داشت. در شهریور ۱۲۸۹ قانون اداری «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» به تصویب این قانون بلافاصله مدارس دولتی در تهران و مراکز استان و شهرستانها بر اساس نظام آموزشی غرب تأسیس شد و وزارت معارف وقت تصمیم به تربیت معلمینی گرفت که بتوانند عهده‌دار تدریس در مدارس شوند. به این ترتیب مراکزی به نام «دارالمعلمین» تأسیس شد که بعدها به نام دانشسرای مقدماتی به خود گرفت. در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی برابر ۱۳۲۹ هجری قمری قانون فرهنگ نیز به تصویب رسید که متضمن اجباری بودن تعلیمات ابتدایی برای عموم ایرانیان بود.

در سال ۱۳۰۰ شمسی قانون شورای عالی فرهنگ تصویب شد که به موجب آن اداره کلیه مدارس، از تهیه برنامه‌های درسی و آموزشی و تربیتی گرفته تا برنامه‌ریزی امتحانات و تعیین صلاحیت معلمان تحت نظر این شورا درآمد. وزارت فرهنگ که عهده‌دار تعلیمات از دوره ابتدایی تا عالی بود، سنگ‌بنای دانشگاه را نهاد و به موجب قانون ۸ مرداد ۱۳۱۲ شمسی، دانشگاه تهران تأسیس شد. در اسفند سال ۱۳۱۲ شمسی قانون تربیت معلم از تصویب مجلس گذشت. دانشسرای مقدماتی با هدف آشنا کردن معلمان به اصول جدید آموزش و پرورش، وظیفه تربیت آموزگاران دبستانها را برعهده گرفت و دانشسرای عالی موظف به آموزش دبیران دبیرستانها شد. اهم اقدامات دولت از ۱۳۰۰ شمسی به بعد در زمینه آموزش و پرورش از ابتدایی تا عالی را می‌توان در چند مورد زیر خلاصه کرد.

۱- تأسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی برای تربیت معلم و دبیر

۲- تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۲

۳- گسترش مدارس در مراکز استان و شهرستانها و بخشها

۴- ایجاد مدارس اکابر برای آموزش بزرگسالان در سال ۱۳۱۵

۵- اعزام دانشجو به کشورهای اروپایی به منظور استفاده از آنها در مراحل آموزشی کشور

تا سال ۱۳۴۳ دو مقطع آموزشی وجود داشت. یکی دوره ابتدایی به مدت شش سال از سن هفت سالگی و دیگر دوره متوسطه که آن هم شش سال بعد از دوره ابتدایی به طول می‌انجامید. از سال ۱۳۴۳ سطوح آموزشی، به سه دوره تقسیم شد. دوره ابتدایی پنج سال از سن شش سالگی، دوره راهنمایی به مدت سه سال و دوره دبیرستان به مدت چهار سال که از مهرماه سالی تحصیلی ۴۶-۱۳۴۵ به اجرا درآمد.

از سال ۱۳۴۵ به بعد به خاطر تحولات اجتماعی و اقتصادی و ضرورت تغییر در برنامه‌های آموزشی به منظور دستیابی به اهدافی جدید از جمله: پرورش ذوق هنری، پرورش جسمی (تربیت بدنی). تأکید بر اخلاق و فلسفه اجتماعی، پرورش نیزوی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

انسانی ماهر و متخصص و غیره، انتقال قدرت تصمیم‌گیری از مرکز به سطوح پایین و ایالات، اقدامات مفیدی در منطقه‌ای کردن آموزش و پرورش به عمل آمد که اهدافی از قبیل: مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش تعیین اولویت‌های محلی و منطقه‌ای در برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی غیره را در برداشت. (فومنی، ۸۷الی۸۳)

نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی از فروردین ۱۳۶۵ شمسی، رسماً آغاز به کار کرد و پس از بحث و بررسی و بهره‌گیری از تجارب سایر کشورها و پس از ۱۵۰ جلسه بحث و گفتگو «طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» را تدوین نمود و در سال ۱۳۶۲ به شورای انقلاب فرهنگی ارائه داد. (فومنی، ۱۳۸۲، ۸۷)

در طرح مزبور درباره مباحث ذیل بحث شده است^۱:

- مبانی تعلیم و تربیت اسلامی
- اهداف کلی تعلیم و تربیت اسلامی
- اصول حاکم بر نظام آموزش و پرورش
- ساختار نظام آموزش و پرورش شامل دوره‌های اساس، ارکان، ارشاد و متوسطه فراگیر.

-برنامه‌ریزی ادامه کار طراحی آموزش و پرورش (صافی، ۱۳۸۲، ۹)

اجزاء عمده ساخت نظام آموزش و پرورش به شرح زیر خلاصه می‌شود:

- ۱- دوره آموزش و پرورش عمومی به مدت نه سال که اجباری و شامل سه مرحله است.
 - مرحله آموزش و پرورش «اساس» به مدت دو سال
 - مرحله آموزش و پرورش «ارکان» به مدت چهار سال
 - مرحله آموزش و پرورش «ارشاد» به مدت سه سال

۲- دوره آموزش و پرورش فراگیر کاربردی - علمی که مدت آموزش در این دوره به تناسب شاخه و نوع آموزش متفاوت است.

آموزش و پرورش دوره متوسطه

در قانون اساسی معارف: مصوب ۱۲۹۰، مدارس متوسطه به عنوان مدرسی که بعد از دوره ابتدایی و قبل از مدارس عالی تشکیل می‌شود مطرح شده است. این دوره با سنینی چهارده تا هفده و هیجده سالگی مقارن است. در گزارش نهایی اجلاس منطقه‌ای یونسکو آمده است: دوره متوسطه عبارتست از دوره برزخ یا دوره انتقالی میان آموزش پایه که عمومی و غیر تخصصی است و آموزش تخصصی تر در سطح آموزش عالی.

^۱. وزارت آموزش و پرورش، کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶، ص ۱۰۲.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دوره متوسطه دوره انتقالی میان کودکی و جوانی است و یک دوره میانی که به واسطه بسیاری از فشارهای روانی، جسمانی، و مشکلات سازگاری، ویژگی‌های خاصی را به نوجوان و جوان می‌بخشد. این دوره ممکن است از سه جهت دوره انتقالی می‌باشد:

۱- انتقال از دوره میان کودکی که نیازهای فردی، تحت نظر و مراقبت دیگران تامین می‌شود و جوانی و بلوغ که به فرد استقلال و قبول مسئولیت می‌دهد.

۲- انتقال از آموزش عمومی، همگانی و غیر تخصصی به آموزش دانشگاهی، تخصصی خاص عده‌ای محدود.

۳- انتقال از محیط آموزش به محیط کار زندگی. (صافی، ۱۳۸۲، ۸۹)

تأسیس دالفنون را در سال ۱۲۲۸ شمسی باید سرآغاز مدرسه متوسطه به سبک جدید در ایران دانست. الگوی این مدرسه از نظر ساخت، برنامه‌های درسی و مقررات آموزش از کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه اقتباس شده است. در سال ۱۳۱۳ شمسی، محل تحصیل دوره ابتدایی را «دستان» و مدرس این دوره را معلم و محل تحصیل دوره متوسطه را دبیرستان و مدرس این دوره را دبیر نام نهادند. در سال ۵۳-۵۴ شمسی، ساختار آموزش متوسط عبارت بود از:
- شاخه عمومی یا نظری شامل رشته‌های اقتصاد - اجتماعی، فرهنگ و ادب، علوم تجربی و ریاضی - فیزیک.
- شاخه جامع شامل رشته‌های متنوعی با عنوان آموزش عمومی، فنی، بازرگانی، حرفه‌ای و کشاورزی که پس از یک سال اجرا متوقف ماند.

- شاخه فنی و حرفه‌ای شامل سه بخش صنعت، خدمات و کشاورزی یا رشته‌های متعدد از هر بخش.

از سال تحصیلی فوق تا ۷۱-۱۳۷۰ مدت تحصیل در دوره متوسطه چهار سال تعیین شد.

رشته‌های تحصیلی فرهنگ و ادب و اقتصاد - اجتماعی در هم ادغام گردید و به نام رشته ادبیات و علوم انسانی اعلام شد و در مدت تحصیل شاخه‌ها در رشته‌های تغییر انجام نگرفت.

«طرح انتقال به آموزش متوسطه» در دیماه ۱۳۶۹ با پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش توسط شورای انقلاب فرهنگی به تصویب رسید که در سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷، همه دانش آموزان دوره متوسطه ایران بر اساس این طرح به تحصیلات خود ادامه داده‌اند. بر اساس کلیات طرح جدید متوسطه به مزایای متعددی که طرح دارد اشاره شده‌است، از جمله:

- نیمسالی و واحدی کردن دوره متوسطه و دوره پیش دانشگاهی

- کوتاه شدن دوره آموزش عمومی از ۱۲ سال به ۱۱ سال

- ارائه دروس به صورت عمومی، اختصاصی و پودمانهای مهارت

- آسانتر شدن تغییر رشته تحصیلی

- کاهش زیانهای ناشی از تکرار پایه یا ترک تحصیل

- و ...

در طرح جدید آموزش متوسطه آمده است: هدف کلی آموزش متوسطه و پیش دانشگاهی و کاردانی (پیوسته)، عبارتست از: اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و آماده ساختن جوانان برای اشتغال مفید یا ارائه تحصیل در سطوح عالی‌تر تحصیلی (آموزشهای علمی - کاربردی و دانشگاهی). همچنین در این طرح اهداف هر یک از شاخه‌های تحصیلی و هدفهای خاص دوره متوسطه مورد بحث قرار گرفته است. اما ساختار جدید متوسطه دارای شاخه‌ها، گروهها و رشته‌های مختلف تحصیلی است. دوره تحصیل در دوره متوسطه سه سال است که یک سال آن عمومی و دو سال اختصاصی است. دانش آموزان سال اول



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

متوسطه در پایان سال اول می‌توانند در یکی از شاخه‌ها، گروه‌ها و رشته‌های به شرح ذیل ادامه تحصیل دهند. هر شاخه معرف سمت‌گیری عمده در زمینه تحصیل یا اشتغال است.

افت تحصیلی

یکی از مشکلات نظام‌های آموزشی هر کشور افت تحصیلی است. یک نظام آموزش کار آمد، کمترین افت تحصیلی و بالاترین بازدهی را دارد. در کشور ما هم افت تحصیلی یکی از مهمترین مسایل و مشکلات کنونی نظام آموزش و پرورش است که هر سال دهها میلیارد ریال بودجه کشور را به هدر می‌دهد و نیروهای بالقوه انسانی جامعه را از آموزش و پرورش خارج می‌کند.

«مجموع خسارات اقتصادی ناشی از شکست تحصیلی (وقوع ترک تحصیلی زودرس و تکرار پایه‌های تحصیلی در ۱۲ پایه اول ابتدایی تا پایان چهارم متوسطه) ۱۳۶۵، ۶۷ و ۶۹ حدود ۵۵۶۴۷۹، ۷۲۰۹۶۶ و ۱۰۸۹۵۷۳ میلیون ریال بوده است. از مجموع کل دانش‌آموزان در سال ۶۵ بیش از دو میلیون و دویست هزار نفر و در سال ۶۷ بیشتر از دو میلیون و چهارصد هزار نفر و در سال ۶۹ بیش از دو میلیون و هفتصد هزار نفر مردود شده‌اند.

همچنین در سال ۶۵ بیش از ششصد و چهل هزار نفر از دانش‌آموزان دچار ترک تحصیل شده‌اند که این رقم در سال ۶۹ به بیش از هشتصد هزار نفر رسیده است. (نفیسی، ۱۳۷۱، ۱۱۵-۱۱۴)

«در ایران شکست تحصیلی زیاد و پر حجم است و از همان سال اول ابتدایی گریبانگیر برخی از دانش‌آموزان می‌شود. تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که این پدیده در ایران نیز همانند سایر جوامع گزینشی است و همه طبقات اجتماعی به یک نسبت با آن مواجه نیستند. این امر در مناطق محروم و روستایی و در میان حاشیه نشینان شهرها بسیار عمیق‌تر است. برای مثال، آمار افت تحصیلی در سه منطقه تهران (مناطق ۱۲، ۳ و ۱۹) نشان می‌دهد که دانش‌آموزان منطقه ۱۹ که بیشتر ساکنان حاشیه نشین تهران را در خود جای داده است در حد وسیع‌تری در معرض این پدیده قرار دارند.» (بازرگان، آبان ماه، ۱۳۷۹، ۸۷)

عوامل افت تحصیلی

عوامل افت تحصیلی را بر دو نوع تقسیم نموده‌اند: ۱- عوامل داخلی ۲- عوامل خارجی

- **عوامل داخلی:** عواملی هستند که عمدتاً مربوط به خود سازمان آموزش و پرورش می‌باشد و از دورن سازمان سرچشمه می‌گیرد مانند نامتناسب بودن هدفها و محتوای برنامه با نیازهای، استعدادها و علایق فراگیران، نامناسب بودن روشهای برنامه‌ها و امکانات آموزش و پرورش با محتوای برنامه‌ها، نامتناسب بودن فضای آموزشی مدرسه و کلاس و
- **عوامل خارجی:** عواملی هستند که مربوط به خود نظام آموزش و پرورش نمی‌شوند. بلکه خارج از نظام آموزش و پرورش بر کار این سازمان تاثیر می‌گذارند و باعث افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شوند. از جمله این عوامل می‌توان به: فقر و محرومیت اقتصادی، شرایط و عوامل فرهنگی و اجتماعی، شرایط عوامل و خانوادگی و توزیع نامناسب امکانات آموزشی اشاره کرد. البته باید یادآور شویم که این عوامل از یکدیگر جدا



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نبوده و بر هم تاثیر متقابل دارند و نمی توان هر کدام از اینها را به طور جداگانه مورد بررسی قرار داد. (معیری، ۱۳۷۰).

انواع شکست های تحصیلی

به طور کلی می توان تحقیقات موجود پیرامون شکستهای تحصیلی را به سه قسمت تقسیم کرد:

«آنهايي که خود دانش آموز را عامل اصلي شکست می دانند و در این رهگذر، معتقد به «عامل هوش» به عنوان عامل موفقیت و یا شکست دانش آموز می باشند. طبیعی است که نظریه هوش بیشتر در حیطه روانشناسی است و تحقیقات مختلف نشان می دهد که هنگامی که عامل هوش ثابت نگه داشته می شود، بین گروههای مختلف اجتماعی، فرهنگی از نظر پیشرفت تحصیلی، اختلاف معنی داری وجود دارد، یعنی عامل هوش نمی تواند تعیین کننده باشد. (منادی، ۱۳۷۲، ۵۸)

به موجب توافق عمومی، هوش، ناشی از هر دو عوامل ژنتیکی و محیطی است. بخشی از هوش به ژنهایی که فرد از والدین به ارث می برد و بخشی دیگر به محیطی که در آن رشد و زندگی می کند، مربوط می شود. هوش در مقابل دگرگونیهای محیط حساس است و نسبت به آنها واکنش نشان می دهد پژوهش نشان داده است که دامنه وسیعی از عوامل محیطی از جمله با تجربه قبلی و تعلیم و تربیت شخصی که مورد آزمون قرار می گیرد. میزان آشنایی او با موضوع مندرج در آزمون، انگیزه اشتیاق به کسب نمره خوب، تسلط او به زبانی که در آزمون به کار رفته است و موارد بسیاری دیگر می تواند در اجرای آزمونهای هوشی موثر واقع شود. پاولزوجین تیس دریافتند که بهره هوشی تقریباً ارتباطی با موفقیت تحصیلی و اقتصادی ندارد. بدین ترتیب، تفاوتهای هوشی در بین طبقات اجتماعی و گروههای خواه عمدتاً به دلیل فاکتورهای محیطی و یا ژنتیکی، به خوبی می تواند کم اهمیت تلقی شوند. (صفری، ۱۳۶۹، ۶۴ الی ۶۱)

۲- آنهايي که نظریه هوش را رد کرده و «طبقه اجتماعی» دانش آموز را عامل اصلي می شناسند و در این رهگذر، عوامل اقتصادی، فرهنگی و یا هر دو را مد نظر دارند، گروه پیروان «تئوری محرومیت فرهنگی» هستند. در این راستا، نظام ارزشها، نوع برخورد، خواستهها، تیپ خانوادهها، زبان، فرهنگ و ... به عنوان عوامل تفاوت مطرح می باشد. (منادی، ۱۳۷۳، ۵۹-۵۸).

تصویر خرده فرهنگ طبقه کارگری چهره جالبی نیست. این خرده فرهنگ، صورتی دین معیار از فرهنگ اصلی متوسط را به تصویر می کشد. معیارهای خرده فرهنگ طبقه کارگری در سطوح پایین این طبقه رو به وخامت می گذارد، به طوری که در پایین ترین طبقه به صورت فرهنگ فقر در می آید. از چنین دیدگاهی بود که «تئوری محرومیت فرهنگی» به وجود آمد. به موجب این تئوری، خرده فرهنگ گروههای کم درآمد از جنبههایی دچار حرمان و نقصان است و همین امر سبب می شود که اعضای این گروه به پیشرفت تحصیلی کم نایل آیند. این تئوری تصویر شکست تحصیلی را به عهده کودک، خانواده او، محله او، و خرده فرهنگ گروه اجتماعی او می گذارد، کودکی که اصطلاحاً از حیث فرهنگی محروم دانسته می شود، به نقصان با فقدان مهارتها، نگرشها، و ارزشهای مهم که لازمه پیشرفت تحصیلی عالی است دچار می باشد محیط وی نه تنها از حیث اقتصادی بلکه از لحاظ فرهنگی نیز فقر زده است.

فهرست کمبودهای کودکی که دچار فقر فرهنگی است می توان به: فقر زبانی، کمبودهای تجربی، شناختی و شخصیتی و دامنه وسیعی از نگرشها، هنجارها و ارزشهای دین معیار اشاره کرد. «تئوری محرومیت فرهنگی» مسائلی را برای آرمان آزاد اندیشانه برابری فرصت در آموزش و پرورش مطرح می سازد. چنین استدلال شده است که تدارک فرصتهای آموزشی مشابه برای همه به هر دانش آموزانی امکان می دهد که استعدادهای خود را پرورش دهد. (صفری، ۱۳۶۹، ۷۳-۷۲)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

روش های اصلاحی و درمانی آموزش و پرورش

در بین روشهای اصلاحی و درمانی آموزش و پرورش برای مقابله با افت تحصیلی در مدرسه با دو گرایش عمده برخورد می‌کنیم:

گرایش اول تأمل آموزش و پرورش جبرانی، کلاسهای تطبیقی، آموزش متقابل و خدمات حمایتی در مدرسه است.

هدف از شیوه‌های آموزشی فوق ارائه اقداماتی به منظور بهبود وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان و افزایش کارایی مدرسه است. این روشها، نظام آموزشی، مدرسه و اهداف آن را زیر سوال قرار نمی‌دهد. هدف این است که دانش و مهارتهایی به کودکان منتقل گردد و دانش‌آموزان به ابزاری مجهز شوند که بتوانند در جهت موفقیت تحصیلی و اجتماعی از آن استفاده کنند. **گرایش دوم** بیشتر، هدف اجتماعی دارد. معلمان و طرفداران دین گرایش در مدرسه توانایی حل مسائل تربیتی را به خصوص برای دانش‌آموزان محروم در خود نمی‌بینند و عقیده دارند که باید کوششهای همه عوامل و سازمانهای ذینفع در جهت بهبود آموزش و پرورش این نوع دانش‌آموزان متمرکز شود. هدف طرفداران این گرایش تنها بهبود وضعیت تحصیلی کودکان نیست. هدف اصلی مبارزه با نابرابریهای اجتماعی و تغییر حاکم است. جنبش مدارس تکلیف شب، تعیین مناطق اولویت دار از نظر آموزش و پرورش و آموزش خانواده از نگرش فوق نشأت گرفته است. علاقمندان این طرز تفکر نه تنها کودکان را در داخل و خارج مدرسه زیر پوشش فعالیتهای مختلف آموزشی و پرورشی قرار می‌دهند، که اولیاء و جامعه محلی را هم در بر می‌گیرند و از همکاری سازمانهای محلی در غنی کردن محیط و فعالیتهای مدرسه استفاده می‌کنند. در ادامه، شرح مختصری در مورد هر یک از روشهای فوق ارائه می‌شود.

آموزش و پرورش جبرانی^۹

آموزش و پرورش جبرانی از وسیع ترین و پرهزینه‌ترین پروژه‌هایی است که در چند دهه اخیر در زمینه مقابله با افت تحصیلی طراحی و اجرا شده است. نظریه آموزش و پرورش جبرانی که از اولین سالهای ۱۹۶۰ ابتدا در آمریکا و سپس در اروپا مطرح شد. بر اساس این فرضیه قرار دارد که، دانش آموزانی که دچار افت تحصیلی می‌شوند، معمولاً از کشورهای محروم و غیر مرفه جامعه‌اند و مشکلات اصلی آنان ناشی از کمبودهای محیط‌های فرهنگی و اجتماعی خانواده است. از این رو مدرسه باید با ارائه فعالیتهای خاص در داخل و خارج مدرسه (با استفاده از امکانات متعدد آموزشی، برنامه‌های تلویزیونی، تنظیم گردشهای علمی، کلاسهای تقویتی و تفریحی و غیره ...) کمبودهای فرهنگی آنان را جبران کند تا تفاوت موجود بین کودکان خانواده های مرفه و طبقات محروم جامعه کاهش پیدا کند. طرفداران این جنبش بر کمبودهای رشد این کودکان، چه از نظر هوش و چه از نظر کلامی و عاطفی، تأکید دارند و بنابراین می‌کوشند با تنظیم برنامه‌های آموزشی و تربیتی خاص، کودکان را برای تسلط بر درسهای مشکل آماده کنند.

برنامه‌های متنوع جبرانی

پروژه‌های جبرانی به طور کلی بر دو نوع است: مشهورترین برنامه‌ها یکی برنامه‌هایی از نوع برنامه معروف هداستارت^{۱۰} است. این برنامه با توجه به اهمیت دوران کودکی در رشد ذهنی کودک جنبه پیشگیری داشته، اغلب بر دوران پیش دبستانی

^۹. COMPENSATORY Education

^{۱۰}. Head start



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تاکید دارد و هدف آن رشد توانایی‌های شناختی و کلامی کودکان است.

نوع دوم: برنامه‌هایی از نوع پروژه فالترو^{۱۱} است. هدف از این برنامه که کودکان و بخصوص نوجوانان را زیر پوشش قرار می‌دهد، ایجاد انگیزه لازم در دانش‌آموز و در خانواده در مورد درس و تحصیل است. برخی از برنامه‌ها به مسائل شخصیتی دانش‌آموز، پذیرش خود و ایجاد احساس امنیت و استقلال در دانش‌آموز توجه دارد. این برنامه‌ها در ابتدا بر تقویت هوش و رشد شناختی متمرکز بود، اما به تدریج با توجه به نارسایی‌های کودکان طبقات محروم از نظر رشد کلامی و کمبود انگیزه پیشرفت، به رفع کمبودها در زمینه‌های فوق توجه کرد و برای ایجاد انگیزه بیشتر و دانش‌آموز، همه امکانات مادی و معنوی مدرسه را به کار گرفت. بدین منظور دوره‌های فشرده آموزشی برای تجهیز معلمان به موثرترین روشهای تدریس به دانش‌آموزان محروم و پاسخگویی به نیازهای ویژه آنان ترتیب یافت و انگیزه‌های مادر قابل توجهی برای این معلمان در نظر گرفته شد.

روش تحقیق

روش ما در اینجا، روش پیمایشی (Survey) است «پیمایش (Survey) روشی در تحقیق اجتماعی است که فراتر از یک تکنیک خاص در گردآوری اطلاعات است که علاوه بر فنون دیگر از قبیل مصاحبه ساختمان، مشاهده عمدتاً در آن از پرسشنامه استفاده می‌شود» (خاکی، ۱۳۸۲، ۲۱۳)

جامعه آماری

جامعه آماری ما در این تحقیق، مجموع دانش‌آموزان پسرودختر مقطع متوسطه که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ می‌باشند که دچار افت شده‌اند. یعنی مجموع دانش‌آموزانی که نتوانستند در خرداد ماه همان سال مدرک قبولی را دریافت کنند و نمرات یک یا چند درس آنها به حد نصاب (۱۰) نرسیده و در نتیجه معدل امتحان نهایی آنها کمتر از ده بوده است. با مراجعه به اداره آموزش و پرورش چرداول و بررسی امتحانات آنها مشخص شد که مجموع دانش‌آموزانی که نتوانستند مدرک دیپلم بگیرند.

نمونه آماری

نمونه آماری پژوهش حاضر ۱۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر شهرستان چرداول می‌باشند که خردادماه در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ موفق به کسب نمره قبولی نشده‌اند.

روش نمونه‌گیری

چون جامعه آماری ما از پسران و دختران دانش‌آموز تشکیل شده است. روش نمونه‌گیری ما در این تحقیق می‌تواند به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب باشد یعنی ما جامعه آماری را به دو طبقه پسر و دختر تقسیم می‌کنیم و به تناسب هر کدام نمونه مورد نظر را انتخاب می‌کنیم و در مرحله دوم تعداد نمونه در هر طبقه را به صورت تصادفی ساده بر می‌گزینیم و پرسشنامه را به آنها داده تا پر نمایند و بعد به تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازیم.

«نمونه‌گیری طبقه‌ای^{۱۲} از متداولترین نمونه‌گیری احتمالی است که جامعه به طبقه‌های مختلف مانند مردان و زنان، سیاه و سفید و مانند اینها طبقه بندی می‌شود و نمونه‌های تصادفی از میان آنها انتخاب می‌گردد» (کرلینجر، ۱۳۷۷، ۲۰۵).

^{۱۱}. Follow Through

^{۱۲} - Stratified Sampling



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

واحد و سطح مشاهده

در تحقیق حاضر واحد تحلیل و سطح مشاهده هر دو در سطح فرد است. به عبارتی ما اطلاعات خود را از افراد و اشخاص (دانش‌آموز) جویا می‌شویم و در صدد فهم این مساله هستیم که عوامل اجتماعی افت تحصیلی دانش‌آموزان را شناسایی کنیم.

محدوده مطالعاتی

پژوهش حاضر در مورد بررسی عوامل اجتماعی موثر در افت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم متوسطه اعم از دختر و پسر در شهرستان چرداول در سه رشته علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی فیزیک بوده که پرسشنامه‌ای به همین منظور طراحی شده و توسط دانش‌آموزانی که در سال سوم متوسطه دچار افت تحصیلی شده‌اند واقعاً در پیش دانشگاهی همین شهر مشغول به تحصیل هستند تکمیل شده است.

شیوه جمع‌آوری اطلاعات

دو تکنیک عمده در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات به کار می‌رود. اول، بررسی و مراجعه به مدارک و اسناد موجود در اداره آموزش و پرورش و دبیرستانها که داده‌های مورد نیاز در این تحقیق، نمرات دانش‌آموزان و نتایج امتحانات آنهاست که در اداره و دبیرستانها ثبت شده‌است. دومین تکنیک جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق حاضر، پرسشنامه است.^{۱۳} در این تحقیق از پرسشنامه عادی (رایجترین طریقه پرسشنامه) با سوالات بسته^{۱۴} استفاده شده است. از آنجا که این پرسشنامه بی‌نام بوده پاسخگو با آزادی کامل و بدون هیچ نگرانی می‌تواند به سوالات پاسخ بگوید. «از حسن بزرگ پرسشنامه با سوالات بسته، تسهیل در جواب دادن و نیز سهولت در استخراج و تجزیه و تحلیل نتایج مکتسبه است» (نبوی، ۱۳۸۰، ۱۲۸)

روش تجزیه و تحلیل داده‌های آماری

با توجه به ماهیت و روش تحقیق داده‌های استخراج شده از پرسشنامه مورد بازبینی و کنترل قرار گرفتند. سوالات پرسشنامه هم غالباً بر اساس طیف لیکرت ساخته شده که دارای چهار یا پنج جواب است و برای هر جواب یک کد در نظر گرفته شده است که با دسته بندی سوالات برای هر کدام از فرضیه‌ها امتیازات آنها حساب شده است. داده‌ها وارد کامپیوتر شده و با استفاده از نرم افزار SPSS مجموعه‌ای از آماده‌های توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای تحلیل و توصیف داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

آمار استنباطی

فرضیه اصلی شماره ۱: به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده با افت تحصیلی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد..

جدول (۱) پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده با افت تحصیلی

شدت رابطه	سطح معناداری	نوع آزمون
-----------	--------------	-----------

^{۱۳}. Questionnaire

^{۱۴}. Closed – ended Questions



Pearson Correlation	sig	r
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۱	۰/۲۱

نتایج حاصل آزمون فرضیه فوق همان طور که در جدول (۱) نمایان است، دارای ضریب همبستگی پیرسون برابر (۰/۲۱) می باشد و در سطح معناداری (p=۰/۰۱) با پذیرش پنج درصد خطا، رابطه معنادار می باشد. زیرا از مقدار معیار آزمون استاندارد (p=۰/۰۵) کمتر است. یعنی بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده با افت تحصیلی رابطه وجود دارد.

فرضیه اصلی شماره ۲: به نظر می رسد بین نگرش فرد نسبت به آینده شغلی و افت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۲) بررسی رابطه بین نگرش فرد نسبت به آینده شغلی و افت تحصیلی

نوع آزمون	سطح معناداری	شدت رابطه
Pearson Correlation	sig	r
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۹	۰/۰۱

نتایج حاصل آزمون فرضیه فوق همان طور که در جدول (۲) نمایان است، دارای ضریب همبستگی پیرسون برابر (۰/۰۱) می باشد و در سطح معناداری (p=۰/۰۹) با پذیرش پنج درصد خطا، رابطه معنادار نمی باشد. زیرا از مقدار معیار آزمون استاندارد (p=۰/۰۵) بیشتر است. یعنی بین نگرش فرد نسبت به آینده شغلی و افت تحصیلی رابطه وجود ندارد.



فرضیه اصلی شماره ۳: به نظر می رسد بین نابسامانی و مشکلات خانواده با افت تحصیلی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۳) بررسی رابطه بین نابسامانی و مشکلات خانواده با افت تحصیلی

نوع آزمون	سطح معناداری	شدت رابطه
Pearson Correlation	sig	r
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۲	۰/۲۲

نتایج حاصل آزمون فرضیه فوق همان طور که در جدول (۳) نمایان است، دارای ضریب همبستگی پیرسون برابر (۰/۲۲) می باشد و در سطح معناداری (p=۰/۰۲) با پذیرش پنج درصد خطا، رابطه معنادار می باشد. زیرا از مقدار معیار آزمون استاندارد (p=۰/۰۵) کمتر است. یعنی بین نابسامانی و مشکلات خانواده با افت تحصیلی وجود دارد.

فرضیه اصلی شماره ۴: به نظر می رسد بین سطح تحصیلات در خانواده و افت تحصیلی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد

جدول (۴) بررسی رابطه بین سطح تحصیلات در خانواده و افت تحصیلی

نوع آزمون	سطح معناداری	شدت رابطه
Pearson Correlation	sig	r
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۰	۰/۳۶

نتایج حاصل آزمون فرضیه فوق همان طور که در جدول (۴) نمایان است، دارای ضریب همبستگی پیرسون برابر (۰/۳۶) می باشد و در سطح معناداری (p=۰/۰۰) با پذیرش پنج درصد خطا، رابطه معنادار می باشد. زیرا از مقدار معیار آزمون استاندارد (p=۰/۰۵) کمتر است. یعنی بین سطح تحصیلات در خانواده و افت تحصیلی رابطه وجود دارد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نتیجه گیری

افت تحصیلی با نظام آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و خصوصیات فردی و شخصیتی دانش آموزان ارتباط تنگاتنگی دارد این علل معمولاً به طور مستقل و مجزا از یکدیگر باعث بروز افت تحصیلی در سیستم آموزشی کشور نمی شوند بلکه ارتباط و تعامل آنها با یکدیگر که باعث بروز این پدیده می گردد و همین ارتباط و تعامل عوامل فوق است که شبکه ی پیچیده ای از علت الکل ها را به وجود آورده، می تواند در افت تحصیلی یا برعکس در پیشرفت تحصیلی مؤثر باشد.

از طرفی علل و عوامل افت تحصیلی در جوامع مختلف متفاوتند اما در مجموع پژوهش های انجام شده در این زمینه مبین این مطلب است که محیط و جامعه، خانواده، مدرسه، خود دانش آموز و ... می توانند در بروز افت تحصیلی مؤثر واقع شوند.

پژوهش هایی که در این راستا انجام گرفته اند، اهم عوامل مؤثر در افت تحصیلی دانش آموزان را به ترتیب عوامل شخصیتی دانش آموزان، ناکافی بودن وقت برای اتمام دروس، بی توجهی اجتماع و خانواده، مسایل اجتماعی و فرهنگی خانواده ها، عدم اطمینان دانش آموز نسبت به آینده تحصیلی خود، نحوه ی تدریس و مهارت فنی دبیرستان، کاربرد ناکافی وسایل آموزشی و کمک آموزشی و مسایل اقتصادی و مالی خانواده مربوط می دانند.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهند که عوامل مؤثر بر افت تحصیلی عبارتند از: مسایل مربوط به نابسامانی خانواده، پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده - مسایل مربوط به کتب درسی، حجم، محتوا سوالات - سطح تحصیلی خانواده - مسایل اقتصادی، مالی و معیشتی خانواده، مسایل اجتماعی و فرهنگی - مسایل مرتبط با کاربرد و کمبود ناکافی وسایل آموزشی، کمک آموزشی، ورزشی و آزمایشگاهی. نتایجی که می توان از فرضیات مشاهده کرد نشان می دهد که:

نتایج حاصل آزمون فرضیه شماره ۱ نشان می دهد که دارای ضریب همبستگی پیرسون برابر (۰/۲۱) می باشد و در سطح معناداری (P=۰/۰۱) با پذیرش پنج درصد خطا، رابطه معنادار می باشد. زیرا از مقدار معیار آزمون استاندارد (P=۰/۰۵) کمتر است. یعنی بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده با افت تحصیلی رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل آزمون فرضیه شماره ۲ نشان می دهد که دارای ضریب همبستگی پیرسون برابر (۰/۰۱) می باشد و در سطح معناداری (P=۰/۰۹) با پذیرش پنج درصد خطا، رابطه معنادار نمی باشد. زیرا از مقدار معیار آزمون استاندارد (P=۰/۰۵) بیشتر است. یعنی بین نگرش فرد نسبت به آینده شغلی و افت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود ندارد.

نتایج حاصل آزمون شماره ۳ نشان می دهد که دارای ضریب همبستگی پیرسون برابر (۰/۲۱) می باشد و در سطح معناداری (P=۰/۰۱) با پذیرش پنج درصد خطا، رابطه معنادار می باشد. زیرا از مقدار معیار آزمون استاندارد (P=۰/۰۵) کمتر است. بین نابسامانی و مشکلات خانواده با افت تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل آزمون فرضیه شماره ۴ نشان می دهد که دارای ضریب همبستگی پیرسون برابر (۰/۲۲) می باشد و در سطح معناداری (P=۰/۰۲) با پذیرش پنج درصد خطا، رابطه معنادار می باشد. زیرا از مقدار معیار آزمون استاندارد (P=۰/۰۵) کمتر است. یعنی بین سطح تحصیلات در خانواده و افت تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد.

اما بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، متغیرهای سطح تحصیلات خانواده با ضریب تأثیر ۰/۱۸، کنترل درسی فرزند از سوی والدین (با ضریب تأثیر ۱۷ درصد)، گسیختگی روابط عاطفی در خانواده (با ضریب تأثیر ۰/۱۴ و پایگاه اقتصادی - اجتماعی (با ضریب تأثیر ۰/۱۲) به ترتیب بیشترین ضریب رگرسیون استاندارد شده را بر متغیر وابسته افت تحصیل دانش آموزان داشته اند. ضمن آنکه، بر اساس مقدار ضریب همبستگی چندگانه یا R (۰/۶۴) همبستگی آماری متوسطی بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته افت تحصیلی دانش آموزان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

وجود دارد. مقدار ضریب تعیین یا R^2 نیز که برابر با ۰/۴۱ می‌باشد. نشانگر تبیین ۰/۴۱ از تغییرات متغیر وابسته افت تحصیلی دانش‌آموزان توسط مجموعه متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده خواهد بود.

همچنین با استفاده از روش تحلیل مسیر متغیرهای (۱) سطح تحصیلات خانواده (با مجموع ضریب مسیر ۰/۲۱)، (۲) کنترل درسی فرزند (با مجموع ضریب مسیر ۰/۱۷)، (۳) پایگاه اقتصادی - اجتماعی (با مجموع ضریب مسیر ۰/۱۵)، (۴) گسیختگی روابط عاطفی (با مجموع ضریب مسیر ۰/۱۲)، (۵) عدم توجه کلی به فرزند (با مجموع ضریب مسیر ۰/۰۹)، (۶) امکانات تحصیلی (با مجموع ضریب مسیر ۰/۰۸) به ترتیب بیشترین تأثیر (مستقیم و غیر مستقیم) را بر متغیر وابسته افت تحصیلی داشته‌اند. و نهایتاً اینکه با توجه به مقدار خطا (e^2) که برابر ۰/۴۱ می‌باشد یعنی $e^2 = 1 - R^2 = 1 - 0.41 = 0.59$ می‌توان پی برد که مجموعه متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده، توانسته‌اند ۰/۴۱ از تغییرات متغیر وابسته افت تحصیلی را تبیین کنند و ما بقی (۰/۵۹) تغییرات آن تحت تأثیر مجموعه متغیرها و فاکتورهایی هستند که در مدل نیامده و در واقع در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

منابع و مآخذ

۱. احدی، محمدحسین (۱۳۷۲)، «بررسی اسنادهای علی در دانشجو معلمان دختر و پسر مراکز تربیت معلم مشهد پس از موفقیت و شکست»، فصلنامه تعلیم و تربیت، پاییز و زمستان سال یازدهم شماره ۳ و ۴.
۲. ادیب، محمد حسین (۱۳۷۲)، جامعه شناسی ایران، اصفهان: نشر هشت بهشت، چاپ دوم.
۳. ارونسون، الیوت (۱۳۶۹)، روانشناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرتن، تهران: انتشارات رشد.
۴. امینی فر، مرتضی (۱۳۶۵)، «افت تحصیلی یا ائتلاف در آموزش و پرورش»، فصلنامه تعلیم و تربیت، پاییز و زمستان، شماره ۷.
۵. آزاد ارامکی، تقی (۱۳۷۷)، بررسی مسائل اجتماعی، تهران: موسسه نشر جهاد وابسته به جهاد دانشگاهی.
۶. بازرگان، زهرا (آبانماه ۱۳۷۹)، «نگاهی دیگر به مسأله افت تحصیلی و شیوه‌های موثر مقابله با آن در برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی»، نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی - پیوند، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، شماره ۲۵۳.
۷. بازرگان، زهرا (آذرماه ۱۳۷۹)، «نگاهی دیگر به مسأله افت تحصیلی و شیوه‌های موثر مقابله با آن در برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی»، نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی پیوند، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، شماره ۲۵۴.
۸. بازرگان، زهرا (دیماه ۱۳۷۹)، «نگاهی دیگر به مسأله افت تحصیلی و شیوه‌های موثر مقابله با آن در برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی»، نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی پیوند، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، شماره ۲۵۴.
۹. بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان
۱۰. پورافکاری، نصرت الله (۱۳۸۲)، فرهنگ جامع روانشناسی - روانپزشکی: انگلیسی - فارسی، جلد اول، تهران: فرهنگ معاصر.
۱۱. جزوه درسی کلاسهای ضمن خدمت تربیت معلم شهرستان آمل، در آفتهای رشد تحصیلی و راههای مقابله با آن.
۱۲. حاجی زاد، محمد (۱۳۸۲)، «عوامل آموزشی - اجتماعی موثر بر کاهش قبولی دانش آموزان مراکز پیش دانشگاهی در کنکور ۸۰ در شهرستان بهشهر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۳. حسنی، محمد (۱۳۸۳)، «بازاندیشی در پدیده تکرار پایه»، فصلنامه تعلیم و تربیت، بهار سال بیستم، شماره ۱.
۱۴. خاکی، غلامرضا (۱۳۸۲)، روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، تهران: انتشارات بازتاب.
۱۵. خدایاری، سیاوش (۱۳۸۳)، «عوامل اجتماعی موثر در ارتقای منزلت اجتماعی معلمان از دیدگاه معلمان شهرستان دره شهر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۱۶. داریاپور، زهرا (۱۳۷۰)، «بررسی عوامل موثر در افت تحصیلی دانش آموزان دوره راهنمایی (دختران) پایه سوم منطقه ۱۶ آموزش و پرورش تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۷. دانش‌نامه، فاطمه (۱۳۸۰)، «بررسی عوامل موثر در نابرابریهای آموزشی در دوره آموزش عمومی به منظور ارائه مدل نظری برای آموزش دختران»، فصلنامه تعلیم و تربیت، پاییز سال هفدهم، شماره ۴.
۱۸. دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۲)، مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات مدرسه.
۱۹. دلاکه، حسن (۱۳۸۰)، «تحلیل عوامل موثر بر دانش آموزان در معرض افت تحصیلی از دیدگاه معلمان مدارس ابتدایی تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۲۰. دورکیم، امیل (۱۳۷۶)، تربیت و جامعه شناسی، ترجمه علیمحمد کردان، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۱. رفعت‌جاه، مریم (۱۳۷۶)، «بررسی عوامل موثر در عملکرد تحصیلی دانش آموزان مدارس غیر انتفاعی تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۲۲. رئیس‌دانا، فرخ‌لقا (۱۳۶۵)، «درصد قبولی و مردودی دوره‌های تحصیلی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۷ و ۸.
۲۳. ساکی، رضا (۱۳۷۳)، «نگرش معلمان در مورد علل شکست و موفقیت تحصیلی دانش آموزان و ارتباط آن با میزان موفقیت آنان در تدریس»، فصلنامه تعلیم و تربیت، پاییز و زمستان سال دهم، شماره ۳ و ۴.
۲۴. سیف‌الهی، سیف‌الله (۱۳۸۱)، جامعه شناسی مسایل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات جامعه پژوهان سینا.
۲۵. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۲۶. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۱)، فلسفه آموزش و پرورش، تهران: امیرکبیر.
۲۷. شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۵)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۸. شیخی، محمد تقی (۱۳۷۳)، جامعه شناسی جهان سوم، تهران: انتشارات اشراقی.
۲۹. صافی، احمد (۱۳۸۲)، آموزش و پرورش - ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۳۰. صفوی، امان‌الله (۱۳۶۵)، «افت تحصیلی در ایالات متحده آمریکا و علل آن»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال دوم، شماره ۷ و ۸، تهران.
۳۱. صفوی، امان‌الله (۱۳۶۹)، «پیشرفت تحصیلی افتراقی از دیدگاه جامعه شناسی آموزش و پرورش»، فصلنامه تعلیم و تربیت، تابستان و پاییز سال ششم، شماره ۲ و ۳.
۳۲. عبداللهی، محمد (۱۳۸۳)، «طرح مسائل اجتماعی در ایران / اهداف و ضرورتها»، در مجموعه مقالات مسایل اجتماعی ایران / انجمن جامعه شناسی ایران، تهران: انتشارات آگاه.
۳۳. عزیززاده، هادی (۱۳۷۳)، «تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش / روشهای برخورد با بحران آموزش و پرورش در دهه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- ۷۰»، در مجموعه مقالات سمینار جامعه شناسی (جلد اول)، تهران: انتشارات سمت.
۳۴. علاقه بند، علی (۱۳۸۲)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر روان.
۳۵. کرلینجر، فرد. ان. (۱۳۷۶)، «مبانی پژوهش در علوم رفتاری»، ترجمه پاشا شریفی و نجفی زند، تهران: انتشارات آوای نور.
۳۶. کرلینجر، فرد. ان. (۱۳۷۷)، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه پاشا شریفی و نجفی زند، تهران: انتشارات آوای نور.
۳۷. کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود (۱۳۷۵)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۳۸. گلشن فومنی، محمدرسول (۱۳۸۲)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: دیدآور.
۳۹. مجیدی، بهرام (۱۳۷۵)، «بررسی رابطه برخی از ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی خانواده با موفقیت و افت تحصیلی دانش آموزان سال سوم راهنمایی شهرستان میانه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.
۴۰. مرادیان، فیض الله (۱۳۸۴)، «بررسی نگرش دینی دانشجویان / مطالعه موردی: دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و بالاتر، دانشکده علوم انسانی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی و دانشکده علوم پایه دانشگاه تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
۴۱. معیری، محمد طاهر (۱۳۷۰)، مسائل آموزش و پرورش، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۲. منادی، مرتضی (۱۳۷۲)، «تفسیر شکستهای تحصیلی از دیدگاه جامعه شناسی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، پاییز و زمستان سال نهم، شماره ۳ و ۴.
۴۳. مهران، گلنار (۱۳۷۵)، «بررسی علل ترک تحصیل دختران در مقطع آموزش ابتدایی در منطقه خاور میانه و شمال آفریقا و بویژه در ایران»، فصلنامه تعلیم و تربیت، تابستان سال دوازدهم، شماره ۲.
۴۴. نبوی، بهروز (۱۳۸۰)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: کتابخانه فروردین.
۴۵. نفیسی، عبدالحسین (۱۳۷۱)، «خسارت‌های ناشی از شکست تحصیلی و وضعیت آن در سال ۱۳۶۹»، فصلنامه تعلیم و تربیت، پاییز سال هشتم، شماره ۳.
۴۶. نیک زاد، محمود (۱۳۷۵)، کلیات فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات کیهان.
۴۷. وفادار مرادی، مرضیه (۱۳۷۷)، «بررسی نگرش دبیران و دانش آموزان نسبت به عوامل موثر بر افت تحصیلی دانش آموزان در نظام جدید آموزش متوسطه - دبیرستانهای دخترانه شهرستان مشهد»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.